

عالمی دیگر ببايد ساخت

چرا تمدن سوخت‌های فسیلی تا سال ۲۰۲۸ فرو می‌پاشد
یک نامه متهورانه اقتصادی برای نجات حیات روی زمین

جرمی ریفکین

ترجمه

دکتر محسن عسکری جهقی

عالمی دیگر بیاید ساخت

The green new deal

جرمی ریفکین

ترجمہ: دکتر محسن عسکری جھقی

چاپ اول: ۱۳۹۹ / تیراز: ۱۰۰۰ نسخہ

ویراستار: مریم محمدطاہری / طراح جلد: جواد آتشیاری

مدیر تولید: بہمن سراج / لیتوگرافی: سحرگرافیک / چاپ: غزال

شابک: ۹۶۴۹۹ - ۶۲۲ - ۹۷۸

قیمت: ۸۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ: نشر معارف

Rifkin, Jeremy

سرسن

عنوان و نام پدیدآور: جرمی ریفر بید ساخت: چرا تمدن سوخت‌های فسیلی تا سال ۲۰۲۸ فرو می‌باشد

یہ برنامه متھورانه اقتصادی برای نجات حیات روی زمین/ جرمی ریفکین؛ ترجمہ

محسن عسکری جھقی

مشخصات نشر:

تہران: نشر دی، ۱۳۹۹

مشخصات ظاہری:

۳۷۳ ص: ۱۴/۵ - ۲۱/۵

شابک:

۹۶۴۹۹ - ۶۲۲ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی:

عنوان دیگر:

چرا تمدن سوخت‌های فسیلی تا سال ۲۰۲۸ فرو می‌باشد یک برنامه متھورانه

اقتصادی برای نجات حیات روی زمین

موضوع:

سیاست انرژی - - جنبہ‌های زیست‌محیطی

موضوع:

Energy policy - - Environmental aspects

موضوع:

انرژی پاک - - سیاست دولت

موضوع:

Clean energy - - Government policy

موضوع:

توسعہ پایدار - - سیاست دولت

موضوع:

Sustainable development - - Government policy

موضوع:

عسکری جھقی، محسن - - ۱۳۵۳ مترجم

شناسه افزودہ:

۹۵۰۲HD

ردہ‌بندی کنگرہ:

۷۹/۳۳۳

ردہ‌بندی دیویی:

۶۱۰۳۸۹۸

شماره کتابشناسی ملی:



کاغذ بالک و سبک این کتاب در کمپانی هولمن سوئد و با رعایت قواعد زیست‌محیطی تولید شدہ و دارای نشان استاندارد بین‌المللی انجمن سرپرستی جنگل است.

میدان آرزاتین، ابتدای احمد قصیر، کوچہ ہجدهم،

بن بست گل محمدی، پلاک ۳، طبقہ دوم

تلفن: ۸۸۷۵۲۶۴۸ - ۸۸۷۵۲۰۸۶

www.gandhipub.com



فهرست مطالب

فهرست مطالب	۷
سخن مترجم	۹
مقدمه	۱۹
بخش اول: نابسامانی عدم	۳۵
۱. احمق‌ها! سخن از زیرساخت‌ها	۳۷
۲. انرژی رایگان برای مردم؛ خورشید رایگان می‌تابد. باد رایگان می‌وزد	۷۹
۳. حیات بدون کربن	۱۱۹
۴. نقطه اوج: «تمدن سوخت فسیلی حول و حوش ۲۰۸ فرو می‌پاشد»	۱۵۷
بخش دوم: تولد ققنوس سبز از دل خاکسترها	۲۰۱
۵. قدم‌زدن با غول: صندوق‌های سرمایه‌گذاری قدرت می‌گیرند	۲۰۳
۶. دگرگونی اقتصادی: سرمایه‌داری اجتماعی نوین	۲۳۹
۷. بسیج جامعه برای نجات حیات روی زمین	۲۹۳
یادداشت‌ها	۳۴۳

سخن مترجم

شاید بسیاری از شما تاکنون با این سؤال مواجه شده باشیم که اگر فقط چند روز تا پایان عمرمان باقی ماند، باید آن چند روز را چگونه زندگی خواهیم کرد. چه بسیار نویسندگانی که این سؤال را دست‌اندر‌پا نوشتن کتاب‌ها و مقالات خود قرار داده‌اند. فیلم‌ها، نمایش‌نامه‌ها، سریال‌ها و آثار هنری گوناگونی در حوزه‌های متعدد هنری اعم از نقاشی و مجسمه‌سازی و موسیقی و غیره هم در پاسخ به این پرسش خلق شده است، اما پاسخ‌هایی که در تمام این آثار به این پرسش داده می‌شود به هر حال مهندسی شده و انتزاعی است. اینکه آدمی در خیال خود، درحالی‌که در اتاق نشیمن نشسته و روی مبل لم داده، به این سؤال بیندیشد و آن پاسخ دهد یک چیز است و اینکه واقعاً در چنین شرایطی قرار بگیرد و آنگاه با علم به اینکه ساعاتی چند بیشتر به پایان عمرش باقی نمانده، روند زندگی را بهی‌بگویند چه دیگری است. هستند کسانی که در اثر بیماری یا جراحی به‌خوبی می‌دانند که پایان راه نزدیک هستند یا زندانیان محکوم به اعدام که از زمان اعدام خویش مطلع‌اند. مثال‌های دیگری هم می‌توان به این فهرست افزود. بالاین حال این دسته افراد به علت بیماری، جراحی یا گرفتاری در زندان، دست و پا بسته‌اند و در عمل گزینه‌های چندانی برای سپری کردن ساعات پایانی عمر در مقابل خویش نمی‌بینند. آن‌ها در برابر شیر نر غدازه‌ای چون مرگ، غیر از تسلیم و رضا چاره دیگری ندارند. با در نظر گرفتن این

قیود شاید کمتر انسانی را بتوان در تاریخ یافت که در عین صحت و سلامت جسمانی و آزادی عمل بداند چه زمانی خواهد مُرد، آنگاه است که رفتار و کردار وی در آن لحظات بسیار حائز اهمیت و معنادار می‌شود. آدولف هیتلر یکی از آنهاست.

ارتش سرخ به چند صد متری کاخ صدراعظم رسیده، پیشوا در آخرین روزهای پیشواي خريش در پناهگاهی بتنی که مهندسان آلمانی در عمق چهل و پنج متری زمین رایش ساخته بودند ساعت‌های پایانی عمر خود را می‌گذراند. از آن‌همه سازو برگ نظامی هیچ بی‌نمانده، جز معدود سربازانی که آخرین فشنگ‌هایشان را برای محافظت از کاخ صدراعظم در خشاب‌ها گذاشته‌اند. همه خطوط ارتباطی پناهگاه پیشوا قطع شده بود. تنها راه ارتباطی خط تلگراف نیروی دریایی و حزب نازی بود که به‌رغم مشکلات دشواری‌هایی که وجود داشت همچنان کار می‌کرد و تا آخرین لحظه‌ها هم به‌کار می‌ماند. دنده‌بان‌هایی که با پای پیاده برای کسب خبر رفته بودند خبر آوردند: ارتش سرخ به چهارصد متری کاخ صدراعظم رسیده‌اند. تمام یاران نزدیک و معتمد هیتلر که روزگاری بی‌اذن او آب از گلو پایین نمی‌دادند وی را ترک کرده یا به او خیانت کرده بودند. حتی هاینریش هیملر، فرمانده خوفناک و پر قدرت اس‌اس، که نام او لرزه بر اندام مردمان می‌انداخت و همچون سگ دست‌آموز به هیتلر وفادار بود، آن‌طور که به او هاینریش باوفا لقب داده بودند، پیشواي خود را رها کرده در اقدامی خیانت‌آلود با متفقین مذاکره می‌کرد تا در ازای جان خود و ریست بر آلمان، پیشوا را تحویل دهد و کار جنگ را یکسره کند. هیتلر درحالی که هیچ ارتباطی با دنیای بیرون نداشت مرتب دستور صادر می‌کرد، دستور حمله نیروی هوایی به نیروهای ارتش سرخ، دستور دستگیری هیملر و اعدام وی به جرم خیانت، دستور اعزام نیروی کمکی به‌سوی یگان‌هایی که خارج از برلین زمین گیر شده بودند. اما کسی نبود تا این دستورها را اجرا کند و اگر هم بود اهمیتی نمی‌داد.

آخرین هواپیمایی که برای رهانیدن هیتلر از دل پناهگاه در محاصره ارتش سرخ

به زمین نشست، نتوانست هیتلر را با خود ببرد. یعنی هیتلر خود رفت. او می دانست که می خواهد خودکشی کند. از لحظه خروج آخرین هواپیمای نجات تا زمانی که هیتلر خودکشی کرد ساعتی بیش نگذشت. در آن لحظات هیتلر با اوا براون ازدواج کرد! بعد منشی مخصوصش را احضار کرد تا وصیت نامه خود را به او دیکته کند. او در این وصیت نامه همچنان دستور می داد: کابینه بعدی را هم تعیین کرد. یژرا را یک به یک چید، حتی فرمانده پلیس و فرمانده سازمان اس.اس. را هم مین کرد. گوبلز در آن لحظات پایانی به صدارت اعظمی رسید! رئیس حزب نازی و وزیر تبلیغات هم تعیین شدند! عجیب تر آنکه در آن ثانیه های پایانی که دیگر هیچ آیدنی نماند تا کسی از آن دخمه زنده بیرون برود، جنگ قدرت میان اطرافیان هیتلر در گرفت و اطرافیان برای آنکه در کابینه بعدی باشند با هم به رقابت برخاستند و هر کس سعی داشت سهم بیشتری در کابینه بعدی داشته باشد. این همه در حالی بود که تا پایان، تنها دهاتی باقی مانده بود.^۱

امروز که به رفتار نازی ها و آن پناهگاه زیرزمینی می نگریم، حماقت و بلاهتشان برای ما تعجب برانگیز است. مگر می شود انسان گرفتار در آن شرایط وقت خود را صرف کارهایی کند که مطلقاً عبث بی فایده است.

در مقام قیاس، وضع بشر امروز کم و بیش وضعی که در سطور پیش شرح آن رفت، مشابه است. اگر کسی از کره ماه به رفتار انسان امروز بنگرد، مشاهده می کند حیات بشر روی کره زمین به ساعات پایانی اش نزدیک می شود اما انسان امروز، غافل از تمام این وقایع، همچنان مشغول کارهایی عبث است. تغییر اقلیم هیولای پیش روی ماست. طبیعت شمشیر خود را از رو بستانده است و بدون توجه به رنگ پوست و مذهب و ملیت و گرایش های سیاسی، حیات روی زمین را تهدید می کند؛ اما انسان همچنان غافل است. انسان در عصر صنعتی که

۱. این بخش از کتاب «آدولف هیتلر، دوران ویرانگری» نوشته ایان کرشاور، ترجمه محسن عسکری جهقی، انتشارات ثالث برگرفته شده است.

آن را عصر پیشرفت و ترقی خواند هر چه توانست کرد، منابع طبیعی را از دل زمین بیرون کشید، نبش قبر کرد تا اجساد صاحبان پیشین زمین را که به نفت و گاز و زغال سنگ تبدیل شده بودند استخراج کند و آن را در راه پیشرفت و ترقی به کار گیرد و تا می تواند محیط زیست و طبیعت را آلوده کند و هر چه بتواند گازهای گلخانه ای را در جو زمین منتشر کند. طبیعت، از بیرونی ترین لایه های جو تا اعماق اقیانوس ها طی دویست سال اخیر از شر کردار آدمیان در امان نبوده است. این همه در حالی بود که بشر به غلط تصور می کرد می تواند برای آینده ای نامحدود به همین روند ادامه دهد و هزینه ای نپردازد. غافل از اینکه طبیعت آینه عدالت است و هر چه از آدمی بستاند به خود او بازمی گرداند.^۱

پدیده گرمایش جهانی آشکار شد، دمای زمین رفته رفته افزایش یافت؛ لایه ازن سوراخ شد؛ کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در رقابتی نفسگیر تا توانستند برای صنعتی شدن و پیشرفت، منابع طبیعی را از دل زمین بیرون کشیدند؛ جنگل ها و طبیعت را از بین بردند؛ سوخت های فسیلی سوزاندند و گازهای گلخانه ای را در هوا منتشر کردند. دمای کره زمین طی یک قرن اخیر به طور غیرطبیعی ۰/۷۴ درجه سلسیوس گرم تر شد. هیئت بین الدولی تغییرات اقلیمی وابسته به سازمان ملل پیش بینی می کند با ادامه این روند دمای زمین ۰/۳ درجه سلسیوس گرم تر خواهد شد و به این ترتیب افزایش آن به ۱/۷ درجه خواهد رسید. فاصله زمانی روی می دهد که افزایش دمای زمین از ۱/۵ درجه فراتر رود. انگاه است که بلایای طبیعی مهارناشدنی به وقوع می پیوندد و زمین را برای ششمین بار انقراض گسترده حیات مواجه می کند. طبق گزارش پروژه جهانی کربن در خرداد ۱۳۹۶ کشور چین با تولید سالانه ۱۰۳۵۷ میلیون تن دی اکسید کربن بزرگترین کشور

که واجب شد طبیعت را مکافات
که هرج آن از تو بیند و نماید
نظامی

۱. چوبد کردی مباحش ایمن ز آفات
سپهر آینه عدلست و شاید

آلوده کننده هوا و آمریکا با تولید سالانه ۵۴۱۴ میلیون تن در ردیف دوم، هند با تولید سالانه ۲۲۷۴ سوم، روسیه با تولید سالانه ۱۶۱۷ میلیون تن چهارم، ژاپن با تولید سالانه ۱۲۳۷ میلیون تن پنجم، آلمان با تولید سالانه ۷۹۸ میلیون تن ششم و ایران! با تولید سالانه ۶۴۸ میلیون تن گاز دی اکسیدکربن در ردیف هفتم قرار دارد، که اخبار و گزارش های آن در رسانه های داخلی نیز بازتاب داده شده اما کسی گوشش بدهکار زمین نیست.^۱ این موضوع که ایران هفتمین کشور تولیدکننده گازهای گلخانه ای در جهان است برای ما دردناک تر هم هست و حکم همان فردی را دارد که آتش نخورده و دهانش سوخته است. کاش ایران نیز به ازای آلوده کردن و تولید ۶۴۸ میلیون تن گاز دی اکسیدکربن در سال به همان اندازه چین و آمریکا، آلمان، هند و روسیه و ژاپن در اقتصاد و صنعت جهان نقش می داشت.

انتشار هرچه بیشتر گازهای گلخانه ای در جو زمین از عوامل بسیار مهم گرمایش جهانی است. این امر به نوبه خود حائز اهمیت است که ناسا دمای زمین را به صورت زنده و برخط در تارنمای وبش نمایش می دهد که برای اطلاع از آن می توان به این نشانی مراجعه کرد:

<https://climate.nasa.gov/evidence/signs/global-temperature>

انسان برای نجات حیات روی کره زمینی که حربه به بین روز انداخته است، تنها دوازده سال زمان دارد. در غیر این صورت تغییرات اقلیم نشان می خورشد که زندگی بشر روی زمین ممکن نخواهد بود و نوع بشر منقرض خواهد شد.

با توجه به اینکه مسئله گرم تر شدن هوای کره زمین بحرانی جریانی است و مرز نمی شناسد، ایران هم نمی تواند خود را از تأثیر این تغییرات دور نگه دارد، توجه داشته باشیم که بخش وسیعی از ایران در منطقه خشک و بیابانی و از نظر پوشش جنگلی در ردیف کشورهای با پوشش جنگلی کم قرار دارد (کمتر از ۷ درصد

کل ایران پوشش جنگلی دارد). طبعاً آثار گرم‌تر شدن هوا بر زیستگاه‌های ایران مخرب‌تر از برخی کشورهای دیگر خواهد بود. این امر زمانی ابعادی بحرانی‌تر به خود می‌گیرد که نه تنها شاهد تحقیقات مؤثر و کاربردی در زمینه آثار تغییرات آب‌وهوا بر زیستگاه‌های کشور نیستیم، بلکه نظاره‌گر تخریب شتابنده جنگل‌ها و سایر منابع حیاتی آن نیز هستیم. توسعه‌های غیرمنطبق و متضاد با توان زیست محیطی کنون بسیاری از زیستگاه‌های کشور را نابود کرده است.

نتایج مطالعه در خصوص شاخص‌های هواشناسی ایران در شرایط تغییر اقلیم نشان می‌دهد که در طی سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰ در کل ایستگاه‌های هواشناسی، متوسط درجه حرارت به‌طور سالانه افزایش خواهد یافت. این افزایش دما بسته به فصل از حداقل ۲ درجه سانتی‌گراد تا ۵ درجه با توجه به پژوهش‌های انجام شده متغیر خواهد بود. علاوه بر این، میزان افزایش دما در کشور از شمال به جنوب و از غرب به شرق تشدید خواهد شد.

ایرانیان خود می‌دانند چه بلایی سر جنگل‌ها، رودخانه‌ها، دریا، و در کل محیط زیست و طبیعت سرزمینشان آورده‌اند. وضعیت انتشار گازهای گلخانه‌ای هم که در گزارش یاد شده معلوم است. عبور و مرور میلیون‌ها خودروی بی کیفیت با آلاینده‌های بالا و سوزاندن میلیون‌ها لیتر بنزین در هر یک از هنرهای انسان ایرانی است. البته نتایج و پیامدهای این رفتار ملموس بوده است به شرطی که چشمی برای دیدن داشته باشیم. سیل ویرانگری که ابتدای سال ۱۳۹۸ در بسیاری از ناطق ایران روی داد، سیل ویرانگر سیستان و بلوچستان در ماه‌های انتهایی سال ۱۳۹۸، بارش برف سنگین در مناطق شمالی کشور در بهمن ۱۳۹۸ که منجر به مدفون شدن بسیاری از جاده‌ها، روستاها و زیستگاه‌ها شد و چندین کشته هم بر جای گذاشت، بارش برف در مناطقی که تاکنون سابقه نداشته است نظیر خوزستان، افزایش شدید پدیده گردوغبار در بسیاری مناطق ایران که امکان زندگی در آن مناطق را به کلی از ساکنانش سلب کرده است، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، آتش‌سوزی جنگل‌های کم‌رمق ایران و ده‌ها نمونه دیگر، نتیجه مستقیم این پدیده جهانی ساخته

دست انسان است. این هیولا مرز نمی‌شناسد و حیات بشر بر کره خاک را به نابودی می‌کشانند.

وقت تنگ است. بشریت برای مهار این هیولای هولناک فقط دوازده سال زمان دارد. برخی کشورهای جهان برای برون‌رفت از این مخمصه و گذر از این بیخ تاریخی، تلاش گسترده‌ای را برای خلاصی از شر سوخت‌های فسیلی آغاز کرده‌اند و با شتاب به‌سوی انرژی‌های تجدیدپذیر روی آورده‌اند. انرژی خورشیدی، باد و سایر انرژی‌های پاک تنها گریزگاه انسان از این ورطه هولناک است. در حال حاضر اتحادیه اروپا و جمهوری خلق چین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در این زمینه انجام داده‌اند تا بتوانند گریبان خود را برای همیشه از شر سوخت‌های فسیلی خلاص کنند. برخی دیگر از کشورها خاصه آلمان و چندین کشور اروپایی در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه و اقتصادی‌شان به‌گونه‌ای هدف‌گذاری کرده‌اند که تا پایان سال ۲۰۵۰ انرژی لازم برای اقتصاد و صنعت را از محل انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه انرژی خورشیدی و باد تأمین کنند. سرمایه‌گذاری برخی کشورهای توسعه‌یافته برای تولید پنل‌های خورشیدی، توربین‌های بادی تولید برق، خودروهای برقی، خودروهای پیل سوختی، باتری‌های ذخیره انرژی برق، توسعه اینترنت اشیا، ایجاد زیرساخت‌های هوشمند توزیع و تولید برق، با همین نیت هدف‌گذاری شده است تا هر چه زودتر بتوانند مسیر خود را از خطر نابودی در اثر گرمایش جهانی جدا کنند.

متأسفانه در ایران این خطر هولناک به‌هیچ‌روی درک شده است. تغییرات اقلیمی و گرم‌شدن تنها یک درجه‌ای کره زمین تأثیر زیادی بر درآمد و معیشت مردم ایران گذاشته، حتی اگر از همین امروز هم کمر همت ببندیم و تمام توان و انرژی کشور را برای مقابله با این هیولا به کار بندیم، باز هم دیر است. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود تا پایان قرن ۲۱ دمای ایران به‌طور میانگین بین ۲ تا ۵ درجه سانتی‌گراد افزایش یابد، بدون شک این افزایش دما و تغییرات اقلیمی تبعات بسیار مخربی بر محیط‌زیست و کار و زندگی مردم کشورمان خواهد داشت. حتی همین

امروز هم شاهد مهاجرت‌های اقلیمی در بسیاری شهرهای کشور هستیم. در حاشیه چنین شهرهایی افراد بسیاری به‌خاطر موضوع تغییرات اقلیمی از جمله خشکسالی و کمبود آب به حاشیه‌نشینی روی آورده‌اند. بر پایه جدیدترین گزارش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی، آشکارا آمده است که کشورهای غرب ایران از شرق مدیترانه تا حدود افغانستان در آینده با کاهش بسیار شدید نزولات آسمانی مواجه خواهند شد. لازم است ذکر شود که بارش‌های سیل آسا دردی از خشکسالی دوا نمی‌کند و امنیتی تخریبی دارد، زیرا به همان سرعت که می‌بارد، به همان سرعت هم وار دریا می‌شود تا دوباره در اثر گرما تبخیر شده، سیل دیگری به راه اندازد. همچنین، این مناطق به‌طور قطع با افزایش دما مواجه خواهیم بود. هر یک درجه افزایش دما، ظرفیت آسمان را برای تشکیل ابرهایی با ظرفیت آبی بالا هفت برابر رشد می‌دهد. این امر به بارش‌های سیل آسا و ویرانگر بیشتری می‌انجامد که در ادامه به افزایش دما بیش‌تری خواهد انجامید. در خوشبینانه‌ترین حالت دمای منطقه از ۲ تا ۵ درجه افزایش خواهد داشت و کشورهای منطقه در دوره‌های ۲۰، ۴۰ و ۶۰ سال آینده با افزایش دما روبه‌رو می‌شوند. از آنجا که کشورهای غرب ایران و حتی غرب خود ایران به‌ویژه منطقه زاگرس با بیشترین تبعات منفی گرمایش جهانی یعنی کاهش میزان بارش و افزایش قطعی دما مواجه می‌شوند، قطعاً آثار بسیار مخربی در انتظار سکنان این مناطق خواهد بود و این امکان وجود دارد که بخش‌های عظیمی از کشور غیرقابل سکونت شود. البته آثار و تبعات این اتفاق‌ها از هم‌اکنون هویدا است. مسلماً با گذر زمان، در دهه‌های آتی زندگی کردن در بسیاری مناطق کشور با مشقت و گرفتاری‌های فراوان اعم از سیل، بارش‌های سنگین و غیرقابل مهار برف، گردوغبار، تابستان‌های بسیار داغ و زمستان‌های بسیار سرد، کمبود آب، ازدست‌رفتن کیفیت خاک، کمبود مواد غذایی و تولیدات کشاورزی، افزایش رشد حشرات، شیوع بیماری‌های واگیردار و مسائلی نظیر این همراه خواهد بود. در برخی مناطق هم ادامه زندگی امکان‌پذیر نخواهد بود و مردمان ایران به مهاجرت‌های دسته‌جمعی ناشی از تغییر اقلیم روی

خواهند آورد که خود دامن گستر مشکلات عمیق اجتماعی و سیاسی می‌شود. این همه در حالی است که دمای زمین در حدود یک درجه سانتیگراد افزایش یابد. حال تصور کنیم ادامه این روند، افزایش دمای زمین را به دو یا سه درجه هم برساند. آنگاه چه سرنوشتی در انتظار انسان خواهد بود؟

حتی اگر همه کشورهای جهان هم به توافقنامه پاریس، که در سال ۲۰۱۵ به امضای اعضا رسید، متعهد باشند؛ باز هم در انتهای قرن حاضر ۲/۷ دهم درجه افزایش دما خواهیم داشت یعنی باید اقدامات سختگیرانه‌تری حتی نسبت به توافقنامه پاریس انجام شود که البته اجرای آن برای ایران و کشورهای درحال توسعه بسیار سخت است. چون اقتصاد این مناطق به شدت به نفت و گازهای گلخانه‌ای وابسته است. تواریه به نفت از این ورطه هولناک همانا روی آوردن به انرژی‌های تجدیدپذیر و اقتصاد سبز است.

ایران با داشتن ۳۲۰ روز آفتاب در سال و با تابش بین شش تا هشت ساعت در روز آن هم در بخش وسیعی از کشور، در کنار ورزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان توان بالقوه بسیار بالایی دارد تا بتواند نه تنها تمام انرژی مورد نیاز خود را با هزینه تقریباً ناچیزی تأمین کند بلکه می‌تواند یکی از قطب‌های تولید انرژی پاک در جهان تبدیل شده، کاملاً از بلای سوخت‌های فسیل و وابستگی اقتصادش به نفت رهایی یابد. علاوه بر این، اتخاذ این راهبرد سرمایه‌گذاری برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصاد متکی بر انرژی‌های پاک نه تنها باعث امنیت زمین را از منظر کلان تضمین می‌کند، از منظر اقتصادی هم فرصت‌های شای فراوانی به وجود می‌آورد و بسیاری از نیروهای جوان اعم از جوانان تحصیل کرده، دانشجویان، کارگران ماهر و نیمه‌ماهر می‌توانند با ورود این فناوری‌ها به کشور مشغول به کار شوند.

مسلماً تمدن بشری بعد از گذار از این پیچ هولناک تاریخی آن چیزی نخواهد بود که تاکنون تجربه کرده است. از آنجا که انرژی تمدن‌ساز است، انسان به درستی نمی‌داند تمدنی که بر انرژی‌های پاک، اینترنت اشیا، شبکه‌های زیرساختی هوشمند

تولید و توزیع برق، نظام حمل و نقل هوشمند و عصر بدون آلاینده‌های کربنی بنا می‌شود چه تجربه‌ای از زیستن را نصیب نوع بشر خواهد کرد.

باین حال هنوز بسیاری از کشورهای جهان، سیاستمداران، رهبران سیاسی، ملت‌ها، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های جهانی و ملی خطر گرمایش زمین را جدی نگرفته‌اند. آخرین نمونه عینی و مشهود آن خروج ایالات متحده آمریکا از معاهده تغییر اقلیم پاریس بود. حال در مقام قیاس به پناهگاه زیرزمینی هیتلر در آخرین سال پایانی عمرش بازگردیم. امروز هیولای تغییر اقلیم و گرمایش جهانی سهمگین‌تر و هولناک‌تر از ارتش سرخ، نه فقط به ایران، که به جهان بشری یورش آورده و تا پست در راه، ای شهرها و روستاهای ساخته دست انسان رسیده است. برآوردهای نویسنده این کتاب که مبتنی بر پژوهش‌های دقیق و علمی دهه‌ها دانشمند و محقق از سراسر جهان است، نشان می‌دهد انسان برای رهایی از این هیولا دوازده سال بیشتر فرصت ندارد. اما سؤال اینجاست که آیا همگان خطر تغییر اقلیم را درک کرده‌اند؟ متأسفانه نه. منفی است و خواجه، هیتلروار درگیر مسایل دیگری از جنس نقش ایوان است، وای ای! خانه از پای بست ویران است.